

فصلنامه پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025

Article Cod: W54772715

ISSN-E: 6452-2588

بررسی نقش دولت و خانواده در قانون اساسی

به منظور پیشگیری از جرم^۱

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۱۰/۱۱ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۶)

محمد صارمی

مدرس دانشگاه و پژوهشگر حقوق عمومی

چکیده

پیشگیری از جرم، یک مسئله جدی و بی انکار برای امنیت روانی و اجتماعی در جامعه است. این پدیده، با توجه به رشد بزهکاری و پیامدهای گسترده‌ای که از آن به وجود می‌آید، از جمله اثرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیازمند بررسی و واکاوی جدی در دولت و خانواده می‌باشد. قانون‌گذاران اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول مختلف، به ویژه اصل ۱۵۶ به این مسئله اهمیت خاصی داده‌اند. در این مقاله، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، دو محور اصلی یعنی دولت به معنای عام به عنوان نهاد عامل و خانواده به عنوان نهاد مهم جامعه، در قانون اساسی مورد ارزیابی قرار گرفته و نقش آن‌ها در پیشگیری از جرم بررسی شده است.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، پیش گیری از جرم، دولت، خانواده

^۱ این مقاله به عنوان یکی از ده مقاله برتر ششمین همایش موسسه قانون یار در تاریخ بیست و نهم آذرماه بروجرد با عنوان ششمین همایش جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان انتخاب گردید و به صورت رایگان و بدون انجام پروسه داوری در نشریه پژوهش های حقوقی قانون یار پذیرش شد



مقدمه

امروزه با توجه به شرایط جوامع و افزایش جرائم در ارکان مختلف به ویژه در خانواده تدابیر لازم برای پیش گیری از جرم غیر قابل انکار می باشد. این موضوع در قالب توجه به نقش عالی ترین سند حقوقی کشور، یعنی قانون اساسی به عنوان قانون مادر در بردارنده اصول و ارکان کشور است. پس این اصول را که همان سیاست جنایی می باشد را باید ابتدا در قانون اساسی کشور جستجو کرد. میزان دخالت دولت و خانواده به عنوان پایه گذار اساسی آن برای پیش گیری از جرم قبل از وقوع آن به عنوان ارکان مکمل در جامعه شناسی حقوق عمومی نقش تعیین کننده ای را ایفا می کند. با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی وظیفه پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان بر عهده قوه قضائیه می باشد. (نقی پور، ۱۳۹۴: ۲). بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی دو وظیفه را بر عهده قوه قضائیه قرارداده، اول کشف و تعقیب جرایم و دوم اجرای این فرایند. با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم را یکی از وظایف قوه قضائیه دانسته است، اما با توجه به بند چهارم آن کشف جرم و تعقیب و مجازات، را یکی دیگر از وظایف این قوه دانسته بنابراین می توان گفت که هردو بند را در راستای پیش گیری از جرم و عدالت کیفری دانسته اند. البته این وظیفه در دولت به معنای عام مورد پذیرش می باشد به این معنی که سایر قوا نیز در کنار قوه قضائیه به پیگیری این موضوع برای رسیدن به مطلوب جامعه که همان پیشگیری از جرم می باشد باید تلاش نمایند به این معنی که سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز باید به طور دقیق مورد توجه قرار گیرد. البته نقش ویژه رسانه ها به عنوان ارکانی از دولت را نیز نباید فراموش کرد، چرا که نقش ویژه و موثری را در تحریک و یا آموزش افراد که آمادگی ارتکاب جرم را دارند، ایفا می کنند. بنابراین رسانه ها نیز به علت داشتن نقش فعال در آموزش همگانی می توانند شهروندان یک جامعه و دولت را که ارکان اصلی آن جامعه خانواده می باشد را، در پیشگیری از جرم همراهی نمایند. چرا که پیش گیری از جرم راهبرد اصلی در سیاست جنایی می باشد که برای مهار پدیده مجرمانه مورد توجه قرار می گیرد. در گستره حقوق ایران، در قالب اصول متعدد



قانون اساسی از اقدامات پیشگیرانه سخن به میان آورده اند، قانون اساسی صراحتاً به موضوع پیشگیری از جرم توجه داشته و در مواردی به آن اشاره می کند. قانونگذار اساسی پیشگیری از جرم را مورد توجه قرار داده است، در یک جا مقدمه قانون اساسی که به بحث قضا و دادگستری اشاره میکند که پاسداری از حقوق مردم می باشد در خط حرکت اسلامی به منظور پیش گیری از جرم. (مقدم و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۸۸) به نوعی توجه به مقوله مهم وظیفه دولت در معنای عام و خانواده به عنوان پیکره اساسی در بررسی آسیب های جامعه شناسانه از منظر حقوق عمومی. بعد از مشخص نمودن کلیات آن توسط قانونگذار اساسی، جزئیات بیشتر را در خصوص پیشگیری از جرم به قانونگذار عادی تکلیف نموده اند. (نیاز پور، ۱۳۹۳: ۹۳). بنابراین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از جرم در کنار مجازات مجرمان قرار گرفته و در قوانین و مقررات به طور مستقیم و غیر مستقیم به این موضوع پرداخته شده است و مورد توجه قرار گرفته. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۹: ۴). با توجه به اهمیت خانواده و دولت به عنوان دو رکن مهم در پیشگیری از جرم که در قانون اساسی بدان پرداخته شده، به نقش آن ها در این مورد پرداخته شده است.

بخش اول: قوه قضائیه و مسئولیت پیشگیری از جرم

قوه قضائیه به عنوان یکی از سه قوه اصلی دولت، نقش بسیار حیاتی در حفظ نظم اجتماعی و پیشگیری از جرم دارد. این نهاد با مسئولیت ها و وظایف مشخصی در زمینه حقوق و عدالت متولی است که در ادامه به توضیح این مسئولیت ها می پردازیم.

بخش دوم: مسئولیت قوه قضائیه در پیش گیری از جرم در قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان نهاد اساسی و حاکم بر سایر قوانین یک کشور، نقش بسیار حیاتی در پیشگیری از جرم و حفظ نظم اجتماعی ایفا می کند. در مقدمه قانون اساسی پیشگیری از انحرافات موضعی یکی از دلایل ایجاد سیستم قضایی بیان شده است. مقدمه قانون اساسی در این راستا بیان میدارد "مساله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت



اسلامی" به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری حیاتی است. از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش بینی شده است. در همین راستا قانونگذار برای پیشگیری از کجروی های عقیدتی و ارزشی نظام قضایی را پیش بینی کرده است تا با مجازات بزهکاران از ارزش های اسلامی پاسداری شود. (نیاز پور، ۱۳۸۳: ۱۷۴). اصلاح مجرمین ناظر به پیشگیری ثالث و واکنش از بزهکاری می باشد که در قالب لحاظ شخصیت مرتکب جرم در فرایند عدالت کیفری صورت می گیرد. (ابرند آبادی، ۱۳۸۷: ۸). این وظیفه قوه قضائیه در ارتباط با وظیفه دیگر آن که عبارت از کشف جرم تعقیب و مجازات تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام است می باشد. با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی که اقدامات مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را بر عهده قوه قضائیه نهاده است، در خصوص قلمرو پیش گیری مد نظر در قانون اساسی در دیدگاه های حقوقدان و و جرم شناسان اختلاف نظر وجود دارد در یک دسته بندی کلی می توان گفت که عده ای قائل به گستره اقدامات قوه قضائیه به اقدامات کنشی و پیش از وقوع جرم می باشند. در مقابل عده ای دیگر قائل به گستره وظایف قوه قضائیه در چهارچوب تدابیر کیفری می باشند. حقوقدانان و جرم شناسان گروه نخست چون گستره اقدامات قوه قضائیه را به مرحله قبل از وقوع جرم را مغایر با اصولی چون اصل تفکیک قوا و رعایت حریم خصوصی افراد دانسته اند به نوعی در مقام چاره اندیشی بر آمده اند و با پیشنهاد واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به رهبری و تفسیر مدیریت محور از بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی سعی بر فائق آمدن بر لوازم تفسیر مورد نظر خود بر آمده اند. در ادامه به بررسی نظرات مختلف پیرامون این موضوع پرداخته خواهد شد.

بخش سوم: رهبری در پیشگیری از جرم و واگذاری مسئولیت

رهبری عالی ترین مقام سیاسی در نظام حقوقی ایران و به عنوان عالی ترین نهاد سیاستگذاری و به عنوان نهادی که قوای سه گانه زیر نظر او اعمال می شوند، نقش تعیین کننده ای در جهت دهی نظام سیاست جنایی کشور دارد. این نقش را می توان در قالب نقش کلان غیر مستقیم



رهبر در سیاست جنایی و نیز عفو تخفیف مجازات مجرمین بیان کرد. (حسینی، ۱۳۹۴: ۱۸۱) یکی از عمده ترین وجوه نقش رهبری را می توان در پرتو تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام دانست که یکی از نمونه های آن را می توان در تعیین سیاست های کلی نظام در زمینه پیشگیری از بزهکاری دانست و با توجه به گستره تدابیر پیشگیرانه که مرتبط با عملکرد قوای سه گانه می باشد این سیاست ها می تواند موجب ایجاد هماهنگی در عملکرد قوای سه گانه در پیشگیری از جرم باشد. واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به رهبری از ورای سیاستگذاری کلان مقام رهبری اگرچه با توجه به جایگاه حقوقی سیاست های کلان که در مرتبه ای پایین تر از قانون اساسی و بالاتر از قوانین و مقررات عادی قرار دارند می تواند راهنمای حرکت قوای سه گانه و نیروهای دیگر موثر در جامعه به سمت اهداف آرمانی و اصول قانون اساسی قرار گیرد (موسی زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۰). و در نتیجه در هماهنگی قوای سه گانه موثر واقع شود. در شرایط کنونی که مسئولیت پیشگیری از جرم طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به قوه قضائیه واگذار شده باید گفت قوه قضائیه نمی تواند در اموری که مربوط به قوه مجریه و نیز قوه مقننه است دخالت کند.

بخش چهارم: قوه قضائیه در پیش گیری از جرم و واگذاری مسئولیت

عده ای دیگر از حقوقدانان و جرم شناسان نیز همونوا با طرفداران واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به مقام رهبری قائل به کاربرد پیش گیری از جرم در مفهوم پیشگیری غیر کیفری در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی می باشند، منتهی آنان با توجه به واقعیتی به نام قانون اساسی و بند ۵ اصل ۱۵۶ آن قائل به این هستند که پیشگیری غیر کیفری از شمول اختیارات قوه قضائیه خارج می باشد و از این رو قوه قضائیه باید به جای اتخاذ تدابیر اجرایی، به مدیریت پیشگیری از جرم بپردازد و رهنمودهای لازم را به نهاد های مجری پیشگیری ارائه نماید. به طور کلی طرفداران نظر اخیر در راستای اثبات ادعای خود مبنی بر غیر کیفری بودن پیشگیری از جرم مذکور در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی به دو دلیل عمده اشاره میکنند. نخست آنکه عبارت



مندرج در بند ۵ اصل ۱۵۶ ترجمه دقیقی از عنوان کنگره های پنج سالانه ای است که توسط سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۵ برگزار می شود که آنگونه که گفته شده است، هدف از برگزاری این کنگره ها تشخیص و تدوین استانداردهای بین المللی به منظور همکاری نزدیک تر دولت ها در زمینه پیشگیری از جرم نیز جهت دهی به همکاری های مطالعاتی و فنی آن ها در این زمینه می باشد. از این رو به نظر می رسد نویسندگان قانون اساسی که برخی از آن ها با سازوکارهای سازمان ملل متحد آشنا بودند سیاست جنایی سازمان ملل متحد را به این اعتبار که ایران عضو آن است در قانون اساسی لحاظ کرده اند. (نیاز پور، ۱۳۸۲: ۱۴۰). از دیدگاه طرفداران این رویکرد اجرای بند ۴ و قسمت دوم بند ۵ از وظایف قوه قضائیه است ولی قسمت اول بند ۵ از وظایف انحصاری آن نیست و مراد از قسمت اول بند ۵ این بوده که قوه قضائیه متولی است و نه مجری. به عبارت دیگر این قوه باید سیاستگذاری نماید و کمیسیون بدین منظور تشکیل دهد. (ابرند آبادی، ۱۳۸۵: ۷۲۷). با پذیرش این دیدگاه حقوقدانان می پذیرند که اولاً واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه امر اشتباهی بوده است، ثانیاً این دیدگاه خواهان تثبیت پیشگیری از جرم در معنای جرم شناسانه آن می باشد. ثالثاً قوه قضائیه باید بر براین اساس مدیریت و سیاستگذاری را برعهده گیرد. هر چند قوه قضائیه به عنوان اصلی ترین نهاد درگیر در مبارزه با بزهکاری، با توجه به آمار و اطلاعاتی که از روند بزهکاری در کشور دارد، بهتر می تواند به مدیریت این امر مبادرت ورزد اما ایرادی که بر این وارد است که با مباحثی که در جلسه خبرگان قانون اساسی مطرح شد دیدگاه کسانی مورد پذیرش قرار گرفت که خواهان واگذاری مسئولیت پیشگیری از جرم به قوه قضائیه بودند. مفهوم پیشگیری مورد نظر آنان در چهارچوب تدابیر تامینی که نوعی پیگیری کیفری است.

بخش پنجم: نقش مقامات قضایی در پیش گیری از جرم

مقامات قضایی نقش اساسی در پیشگیری از جرم دارند، زیرا با اعمال عدالت و تنظیم قوانین، انگیزه های افراد برای ارتکاب جرم را کاهش می دهند. همچنین، اجرای دقیق قوانین و مجازات ها، به عنوان عامل ترسیم کننده، به جلوگیری از ارتکاب جرم اقدام می کند. در این



میان قضات به عنوان یکی از نقش آفرینان عمده در عرصه سیاست جنایی نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا میکنند، پیشگیری از جرم از طریق لحاظ شخصیت مجرم و فردی سازی قضایی نمونه ای از نقش قضات در پیشگیری از جرم می باشد. در این میان آگاهی از دیدگاه مقامات قضایی نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی می تواند حائز اهمیت باشد. رویه قضایی در مفهوم اخص خود به معنای آرای صادره از هیات عمومی دیوان عالی کشور می باشد و در مفهوم اعم، آرای صادره از دادگاه ها را نیز شامل می شود. ولی می توان فراتر از این بطور کلی رویه قضایی را دیدگاه مقامات قضایی دانست. در خصوص قلمرو پیشگیری مورد نظر در قانون اساسی آقای یزدی از روسای اسبق قوه قضائیه بیان میدارد "اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین که با بررسی و دقت در حدود این اقدامات معلوم می شود که چه مواردی مربوط به قوه قضائیه است باید عمل شود مثلاً مبارزه با فقر و جهل که قطعا از عوامل جرم را هستند یا مبارزه با بی سواد و فرهنگ مبتذل که عوامل جرم می باشند از وظایف قوه قضائیه نیست، چنانچه پس از اطلاع از توطئه یا تشکیل مرکز فساد، پیشگیری با ورود به منزل یا محل دستگیری افراد یا هر اقدام دارم دیگر که توطئه خنثی شده و مرکز فساد متلاشی شود قطعا از وظایف قوه قضائیه است." (یزدی، ۱۳۸۲: ۶۷۵). در این راستا روسای قوه قضائیه با صدور بخشنامه و دستور العمل در ادوار مختلف بر رویکرد مدیریتی نسبت به بند ۵ اصل ۱۵۶ تاکید نموده اند و ستادهایی برای پیشگیری از برخی جرائم ایجاد نموده اند، مانند ستاد پیشگیری و مبارزه با جرائم ویژه، ستاد مبارزه با اعتیاد و جرائم مرتبط با مواد مخدر، پیشگیری از طریق نیروی انتظامی، کمیسیون تخصصی پیشگیری از وقوع جرائم و تخلفات رانندگی.

بخش ششم: تاثیر کارکردی خانواده در پیش گیری از جرم

به نظر می رسد افزایش میزان بزهکاری حاکی از تضعیف مناسبات گروه خانواده بوده، به طوری که وحدت گروهی از هم پاشیده است. به هر میزانی که روابط اعضا از سیطره روابط صمیمی، عاطفی و اخلاقی خارج شود، خطر از بین رفتن کارکرد بسیار مهم خانواده آموزش



هنجارها ارزش های اجتماعی به فرزندان در نخواهد بود. آنچه مهم است مناسبات پیوندهای گروه خانواده است به شکلی که افراد به عنوان حامیان عاملین نقش ها باید به گونه ای ایفا نمایند که کارکرد اساسی حفظ وحدت و انسجام خانواده را به دنبال داشته است. (فرجاد، ۱۳۷۴: ۵۴). هرگاه بنیان های عاطفی و اخلاقی خانواده سست گردد روی نظم خانواده (طلاق) تاثیر گذاشته، بزهکاری نیز رخ مینماید. اگر کشمکش های درونی خانواده اوج باید باعث در هم پاشیدگی بنیاد خانواده می شود و جرائم مختلفی بروز و ظهور می نماید بر همین اساس است که در اصول مختلف قانون اساسی که عالی ترین سند حقوقی یک کشور است به مبحث مهم خانواده پرداخته که در ادامه به برخی از این اصول پرداخته شده است.

بند اول: اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است ، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ، پاسداری از قداست آن واستواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

بند دوم: اصل بیستم

همه ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون دارند وازهمه ی حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند .

بند سوم: اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید وامور زیر را انجام دهد :

ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او .



حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی

سرپرست

ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده

ایجاد بیمه ی خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست

اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن ها در صورت نبودن ولی شرعی .

با نگاهی به این اصول و اصول متعدد دیگر قانون اساسی به ویژه اصول مربوط به فصل سوم با عنوان حقوق ملت می توان به این مهم رسید که در کنار دولت در معنای عام، خانواده نقش برجسته ای را در پیشگیری از جرم برعهده دارد. در مقدمه قانون اساسی نیز عنوان زن در قانون اساسی، خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون رشد اصلی تعالی انسان معرفی شده است. همچنین به موجب اصل مورد اشاره (اصل دهم) به این نکته تاکید شده است که از آنجا که خانواده واحد بنیادین جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات برنامه ریزی ها باید در راستای آسان کردن تشکیل خانواده و پایداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق اسلامی باشد این سیاست نشان دهنده توجه به نقش محوری محیط خانواده می باشد. در کنار این محیط مدرسه نیز در پرورش درست شخصیت و اجتماعی شدن افراد بسیار تاثیر گذار است. خبرگان قانون اساسی در بند سوم اصل سوم که همان آموزش و پرورش رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل تعمیم آموزش عالی را در شمار وظایف بنیادین دولت گنجانده اند. در عرصه پیشگیری جامعه مدار در کنار دو عامل یاد شده، بهبود وضعیت مالی و اقتصادی نیز در کاهش تمایل شهروندان به ارتکاب جرم تاثیر گذار است. که این مهم نیز در بند ۱۲ اصل سوم پیش بینی شده است. بدیهی است در کنار عنصر خانواده تکلیف دولت در زمینه فقر زدایی و بنیان گذاری رفاه اقتصادی می تواند در کاهش بزهکاری افراد نقش آفرین باشد.



بخش هفتم: بررسی تنظیم گری حقوقی خانواده

مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران متشکل از نظامی از ارزش ها و نگرش های آرمان گرایانه، جزمی، قطعی، غیر قابل تردید و تغییر، مبتنی بر احساسات شدید، حرکت طلب و جنبش پرور است که مدعای جامعیت و مانعیت و برخورداری از پایه های عقلی و علمی را داشته و هدف غایی آن، طرح نظم اجتماعی متفاوت و ارائه ایده ها و داوری های روشن برای توصیف، و اقدام و عمل معطوف به قدرت سیاسی در گستره ی داخلی و پهنه جهانی است. نمونه های آن را می توان در اندیشه های امام خمینی و علی شریعتی و مرتضی مطهری مشاهده کرد. (مهدوی زاهد، ۱۳۹۷: ۱۵۴). در اصول دوم و سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف شده است که به منظور نیل به اهداف ایدئولوژیک، همه امکانات خود را در راستای تحقق اموری چون ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی توسعه و تحکیم برادری اسلامی، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان بکار گیرد. از این رو در سر فصل های متعدد از قانون اساسی به مثابه راس هرم حقوقی جمهوری اسلامی به بیان جهت گیری ایدئولوژیک قوانین و مقررات در راستای حمایت از کارکردهای مورد نظر از خانواده ایرانی پرداخته شده است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۴). چنان که گفته شد در مقدمه قانون اساسی به منزله ی سندی در راستای فهم اراده سیاسی قانونگذار اساسی میباشد. (هاشمی، ۱۳۸۸: ۶۸) خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان، معرفی و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده به مثابه زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان در پیش گیری از جرم در جهت نیل به مقصود که از وظایف حکومت اسلامی میباشد. در اصل یازدهم قانون اساسی از یک جامعه اعتقادی به نام امت سخن گفته می شود که مبنای وحدت آن دین اسلام است. (محمدی گرگانی، ۱۳۹۳: ۵۷) از این رو در اصل دهم قانون اساسی خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی مقرر شده که باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و



اخلاق اسلامی باشد. هرچند که بر اساس پنداشت های قانونگذار از جایگاه خانواده در حفظ فرهنگ ایرانی از وصف قداست برای خانواده در قانون اساسی استفاده شده است اما بر اساس یافته های مطالعات تجربی در ایران معاصر از وجهه مقدس تاریخی ایرانی کاسته و بر ابعاد عرفی آن افزوده شده است. با همین رویکرد اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز دولت را موظف به تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی نموده و آن را مکلف به تکالیفی نموده است. بررسی ادبیات قانون گذار در این اصول و پی گیری سیاست حفظ یگانگی و هم بستگی خانواده و بقای کارکردهای سنتی این نهاد در میاد قوانین عادی و مقررات نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی دلالت بر نگرش ایجابی ایدئولوژیک قانونگذار اساسی به خانواده و نقش های آن و دیدگاه سلبی وی بر عدم پذیرش هرگونه تنوع در ساختار و کارکردهای خانواده دارد. بر این اساس ازدواج محوری ترین تاکید مقنن در امر خانواده برای پیش گیری از جرائمی است که امکان دارد شکل بگیرد. چنان که در بند سوم و چهارم فصل ششم نقشه مهندسی فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی ارتقای نقش همسری و مادری زنان به مثابه راهبردی کلان در جمهوری اسلامی تعیین می شود. هم چنین تحلیل محتوای سخنان مقامات عالی جمهوری اسلامی موید این است که خانواده گرایی واحد بنیادین جامعه است که در سیاست گذاری های کلان اقتصادی و اجتماعی همواره در برابر فرد اولویت می یابد و بر آن به عنوان ارزش بنیادین تاکید می شود (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

برای نمونه در بندهای ۳، ۴، ۶ سیاست های کلی جمعیت، ابلاغی ۱۳۹۳ از سوی مقام رهبری بر اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به ویژه در دوره بارداری و شیردهی، پوشش بیمه ای هزینه ای زایمان، درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها موسسات حمایتی ذی ربط، تقویت نظام تامین اجتماعی، خدمات بهداشتی مراقب های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری، تامین سلامت تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب های اجتماعی (پیشگیری) تاکید موکد شده است. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون رشد و تعالی انسان است. قوانین و مقررات و برنامه های کشور باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، حمایت و پاسداری از قداست آن استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی



باشد. همه این موارد چه مستقیم و چه غیر مستقیم در کاهش آسیب های خانوادگی، اجتماعی می انجامد که به طریق اولی به پیشگیری جرائم منجر می شود. جلوه دیگری از ایدئولوژی گرای حقوقی را می توان در سیاست جنایی دولت جمهوری اسلامی در حوزه خانواده رصد کرد. زیرا بین بایسته های جرم انگاری و جرم زدایی و نظام سیاسی هر کشور همبستگی معنایی وجود دارد (مهدوی زاهد، ۱۳۹۷: ۱۶۰). چنان که در دولت های مدرن دموکراتیک جهت گیری سیاست جنایی در تعیین عناوین مجرمانه علیه خانواده به سمت مداخله کمینه در حوزه خصوصی و جایگزین تدابیر غیر کیفری صیانت کننده از خانواده است (روشن، ۱۳۹۱: ۵۶). اما در نظام های ایدئولوژیک، میزان مداخله حقوق کیفری در حوزه خانواده متناسب با نظام ارزشی پشتیبان نظام سیاسی تعیین عناوین مجرمانه در راستای حمایت از ارزش های حاکم بر ایدئولوژی سیاسی وضع می شود. برای نمونه جواز قتل در فراش زوجه یا معافیت پدر و جد پدری در قتل فرزند بر این اساس به نظام تقنینی ورود پیدا کرده است. از این رو دولت با بکارگیری ابزارهای سیاست گذاری و تقنینی در راستای باز تولید مبانی مشروعیت و خاستگاه اجتماعی خود اقدام می کند. اما به دلیل درک تقلیل گرایانه از خانواده ایرانی و تغافل از بخش های مهمی از آن چه به عنوان واقعیت شناخته می شود، سیاست هایش در عمل به تحقق اهداف منظور منجر نمی شود. و رابطه ای مبتنی بر تبعیت و تمکین شکل میگیرد. (قاضی، ۱۳۸۹: ۱۹). بر این اساس از آنجا که این خانواده نیازمند تغذیه فکری مستمر و دائمی است، یک ایدئولوژی شکل گرفته و از همه ابزارهای رسمی و غیر رسمی در راستای تبلیغ و تحمیل ایدئولوژی واحد استفاده می شود.

بخش هشتم: قوه مقننه و مسئولیت پیش گیری از جرم

اتخاذ رویکرد جامعه شناسانه به حقوق عمومی می تواند به تقویت حاکمیت شکلی و ماهوی قانون منجر شود. زیرا اساسا هدف و ابراز قانونگذاری برای بسیاری از واضعان قانون مشخص نیست. بر همین اساس، مساله هایی چون تعدد مراجع قانونگذار تغییر مکرر و کثرت قوانین، "حاکمیت قانون" به معنای حکومت هنجارهای حقوقی تضمین کننده حق ها و آزادی های



بنیادین از یک سو و تامین کننده خیر عمومی از سوی دیگر را به حاکمیت به وسیله قانون به معنای اعمال اراده سیاسی فرد یا نهاد غیر دموکراتیک در قالب هنجارهای حقوقی تحدید کننده حق ها و آزادی های عمومی مبدل کارآمدی قوانین را با چالش مواجه ساخته است (وکیلان و مالگیری، ۱۳۹۵: ۲۹). از این رو در راستای کارآمد ساختن قوانین، اولاً امر قانونگذاری باید از یک مسیر خطی خارج و به مثابه یک چرخه از وضع تا اجرا، مورد سنجش کیفیت و کارآمدی واقع می شود. ثانیاً با قانون زدایی از بسیاری از روابط فردی و اجتماعی انسانی، هنجارگذاری ها به دیگر نظامات باید انگار مانند دین، اخلاق، وا گذاشته شود. زیرا وضع ضمانت اجرای حقوقی الزاما به اجرای دستورات منجر نخواهد شد. از طرفی دیگر قانون یک هویت هدفدار است (راسخ، ۱۳۸۵: ۳۳) و قانون کارآمد باید هم چون هر وسیله دیگر کارائی خود را داشته باشد و بتواند به هدف مورد نظر که همان بهبود اوضاع (پیشگیری یا کاهش جرائم) می باشد برسد. بر این اساس قانون مطلوب باید از ویژگی های نتیجه بخشی و اثر گذاری در کنار ویژگی های ضروری برای قانون برخوردار باشد (وکیلان و مالگیری، ۱۳۹۵: ۴۶). از این رو جامعه شناسی حقوق عمومی داعیه دار بررسی انطباق، تضاد، پیش گامی یا عقب ماندگی قانون با نیازها و خواست های جامعه است.

بخش نهم: قانون و تحولات خانواده

اصل تناسب یکی از اصول کلی حقوقی است که در گرایش های مختلف رشته دانشگاهی حقوق مطرح معانی مختلفی از آن استنباط می شود. چنان که در حقوق کیفری از تناسب بین جرم مجازات، در حقوق اساسی از تناسب بین نظام های ارزشی متکثر، در حقوق عمومی اقتصادی از تناسب بین حق های فردی و منفعت عمومی و در حقوق اداری از تناسب میان اهداف قانون و مقررات سخن گفته می شود. بر این اساس می توان گفت که جمع میان سامان دهی زندگی فرد و اجتماع تعریف حمایت از آزادی های فردی، به عبارتی تناسب بین امنیت و آزادی، یکی از اهداف بنیادین مسائل در حقوق عمومی است (هارت، ۱۳۸۹: ۱۲). از این رو در جامعه شناسی حقوق عمومی نیز که به بررسی تاثیر متقابل بین نهادهای اجتماعی و نظم و نظام



حقوقی می پردازد، می توان از اصل تناسب بین قانون و جامعه سخن گفت که خود در پیشگیری از جرائم قابل توجه است. دلیل آن هم این است که قانون هویتی هدفدار است که کارآمدی آن با تحقق اهداف در تنظیم گری به سامان زیست اجتماعی شهروندان سنجیده می شود. از این رو با بررسی کنش متقابل هنجارها سازوکارهای حقوقی با نهادهای اجتماعی می توان به بررسی ارتباط بین قانون با جامعه پرداخت. البته این انطباق کامل قانون با جامعه، بر پایه شکل گیری دولت قانونمند و ابتدای نظام حقوقی بر اراده سیاسی قدرت موسسس استمرار آن در قالب اصل نمایندگی است. بر این اساس به هر درجه که نظم و نظام حقوقی به مفهوم دولت قانونمند نزدیک تر باشد، تطابق بیشتری با جامعه خواهد داشت و به هر میزان که از آن فاصله بگیرد اصطکاک و درگیری آن با جامعه افزون تر می گردد. حال در هنگامه ای که نهاد های اجتماعی مستمرا در حال تغییر و تحول هستند هرچند که تغییرات اجتماعی الزاما از یک الگوی خطی پیروی نکرده و می تواند حرکت قهقرایی، آونگی نیز داشته باشد. یک نظام حقوقی پویا باید در راستای تحقق خواسته های مردم عمل کند، زیرا ورود متغیرهای اجتماعی به هر نظام حقوقی می تواند به معنای انعطاف پذیری آن نظام حقوقی در مواجهه با هست ها تلقی شده اصلاح مبتنی بر واقعیت تجربی را برقرار سازد. (شهابی، ۱۳۹۵: ۵۷۴) حال از آنجایی که نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران نیز به موجب اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی بر مبنای حاکمیت مردم بنا شده است، از این آموزه ها به دور نبوده و می توان انعکاسی از تلاش قانونگذار به تطابق نسبی خواست شهروندان با قوانین روزآمد و کارآمد را مشاهده کرد به مانند ارث بری زوجه از عرصه و اعیان، شناسایی حق زن بر طلاق و کاسته شدن از وجهه مرد سالارانه قانون.

بخش دهم: نقش قانون گذاری در پیش گیری از جرم

قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران با تصویب قوانین متعدد در واگذاری به سازمان ها در خصوص پیش گیری از جرم فعال بوده است. از اقدامات این قوه بررسی لایحه پیشگیری از جرم ارائه شده توسط قوه قضائیه است. قوه قضائیه در سال ۱۳۸۴ لایحه ای را تحت عنوان



پیشگیری از جرم راه تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود. نیز در سال ۱۳۹۰ قانون پیشگیری از جرم با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد و مطابق اصل ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات کلی به تصویب رسید. پس این موضوع نشان می دهد که قوه مقننه در عرصه قانون گذاری از طریق طرح و بررسی لایحه می تواند تاثیر غیر قابل انکاری را در جامعه از نظر روانی، سیاسی و اقتصادی ایفا نماید. پس برای رسیدن به پیش گیری از جرم باید قوانین مشخص، و در جهت احقاق حق ملت باشد و توسط کارشناسان و اندیشمندان مسلط به این موضوع مورد بررسی قرار گیرد. از طرفی خود قانونگذار نیز باید جانب اعتدال را رعایت نماید. جرم زدایی یک فن حقوقی می باشد که نقش قوانین کیفری را در بعضی از زمینه های معین محدود می کند. پس در خصوص قانونگذاری نیز تورم قانون مشکلی را حل نمی کند و یا اینکه قانون تصویب شده را بدون اجرا باقی میگذارد که برای جامعه امری ناپسند می باشد. بنابراین قوه مقننه با درک چارچوب جرم شناسی پیشگیرانه می تواند با استناد به اصل هفتاد و یکم در عموم مسائل در حدود مقرر قانون اساسی قانون وضع نموده و یکی از عموم مسائل تدبیر و تصمیم گیری در امر پیشگیری می باشد.

بخش یازدهم: قوه مجریه و مسئولیت پیش گیری از جرم

دولت از نظر معنایی و مفهوم به عام و خاص تقسیم می شود، دولت در معنای خاص خود قوه مجریه را در بر می گیرد و در معنای عام شامل قوای سه گانه کشور می باشد. در این بخش قوه مجریه مد نظر قرار گرفته و مبانی ورود قوه مجریه به عرصه پیشگیری از جرم مد نظر قرار گرفته است. همان طور که مشخص است بزهکاری همواره به نظم عمومی صدمه وارد می نماید، و سیاست های مهار بزهکاری در هر جامعه، بخش مهمی از سیاست گذاری های کلان کشور را تشکیل می دهد. با توجه به اینکه ارتکاب جرم همه بخش های جامعه را تحت تاثیر خود قرار می دهد، مسلماً همه نهادهای حکومتی باید در امر مهار مشارکت داشته باشند چنانچه نگارنده به مفهوم دولت در معنای عام پرداخته و سه قوه را مورد بررسی قرار داده است. بنابراین مشارکت همه نهاد های دولتی و مردمی به ویژه خانواده در اقدامات پیشگیرانه ضروری است و



نمی توان صرفاً یک نهاد خاص یا سازمان خاص را متولی این امر دانست. مهم ترین دلیل حضور قوه مجریه در این عرصه حفظ نظم عمومی جامعه است. ارتکاب جرم نظم عمومی جامعه را مختل نموده و ریشه در شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی دارد. قوه مجریه نیز علاوه بر وظیفه تامین امنیت جامعه و حفظ نظم عمومی، نقش موثری در ایجاد رفاه و کاهش مشکلات اقتصادی و آسیب های اجتماعی ایفا می نماید. در واقع دولت با انجام وظایفی که طبق اصول ۲۸ تا ۳۱ قانون اساسی بر عهده دارد، در حذف بسترهای ارتکاب جرم مشارکت می نماید. البته علاوه بر اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون پیش گیری از جرم ضرورت ورود قوه مجریه به عرصه پیشگیری از جرم مطرح شده است. در واقع قوا برای رسیدن به این مهم باید با یکدیگر تعامل کافی داشته باشند. (ساریخانی و بهلولی، ۱۳۹۵: ۱۵۱).

نقش و اهمیت قوه مجریه از این جهت که رکن اجرا کننده سیاست جنایی به شمار می رود از دو جهت حائز اهمیت می باشد. اول اینکه، قوه مجریه تنها رکن با صلاحیت در راستای تحقق و اجرای سیاست جنایی اتخاذ شده می باشد و از سوی دیگر این تطبیق و اجرا بایستی چنان در هماهنگی با سایر ارکان صورت گیرد که بتوان با یک سیاست جنایی واحد روبرو بود نه اینکه برنامه ها و یا عملکرد عوامل اجرایی در جهت مخالف با سیاست جنایی پیش بینی شده از سوی قوه مقننه باشد. (احدی، ۱۳۹۶: ۴۷).

بنابراین عوامل قوه مجریه به طور مستقیم یا غیر مستقیم نقش پیشگیرانه خود را ایفا می کنند. به عنوان مثال ریاست جمهوری با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی، مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه می تواند با استناد به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی خواستار مدیریت و سیاستگذاری قوه قضائیه در امر پیش گیری باشد. علاوه بر آن به عنوان رئیس قوه مجریه و نیز در چارچوب عمل به اصل ۳ و اصل ۲۱ قانون اساسی در مهم ترین و کارآمدترین پیشگیری یعنی پیشگیری اجتماعی اقدامات عملی و علمی شایسته ای را تقبل نماید. بنابراین مطالعه تصمیمات نهادهای مختلف قوای اجرایی در قبال پدیده مجرمانه، دوشادوش سیاست جنایی تقنینی و قضائی ضرورتی اساسی است.



بخش دوازدهم: نقش سازمان های دولتی در پیش گیری از جرم

بی تردید در قوه مجریه نهادهای دولتی نقش بسزایی را در جهت پیش گیری از جرائم یا کاهش جرائم ایفا می کنند که متشکل از وزارتخانه های مختلف مانند آموزش و پرورش، وزارت اقتصاد، وزارت بهداشت، وزارت رفاه و تامین اجتماعی وزارت تعاون، به عنوان ارکان اصلی در کنار ارکان تکمیلی می باشند که به ذکر دو نمونه از آن ها پرداخته شده است.

بخش سیزدهم: نقش وزارت آموزش و پرورش در پیش گیری از جرم

تمام محققان بی هیچ اختلاف نظری، براین باورند که نظام آموزش و پرورش هر کشور نقش بی بدیل و تعیین کننده ای در تربیت نسل آینده و در ذیل آن پیشگیری از گرایش به بزهکاری در دوران کودکی و در نتیجه ریشه کن کردن جرم در دوران بزرگسالی و ورود رسمی آن ها به نقش های اجتماعی دارد. (رحمانی، ۱۳۹۷: ۵۲). کودکی بی تردید مهم ترین دوران زندگی انسان هاست، زیرا خمیره شخصیت هر فردی در این دوران شکل می گیرد. اساس شکل گیری پیشگیری در سیاست جنایی رویکرد اصلی به موضوع تعلیم و تربیت می باشد، زیرا ریشه بسیاری از نابهنجاری ها مربوط به عدم تعلیم صحیح می باشد. افزایش میزان جرائم در خانواده های که به امر آموزش توجه کافی ندارند حکایت از این مدعا دارد. علاوه بر خانواده قوه مجریه با بستر سازی مناسب مانند تحصیل رایگان و همگانی بودن آن به این موضوع پرداخته است. چنانچه در بند سوم اصل سوم قانون اساسی دولت مکلف شده که آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را در تمام سطوح فراهم کند و تسهیل و تعمیم آموزش عالی را مورد توجه قرار دهد. همچنین در اصل سی ام قانون اساسی دولت را موظف نموده است و سایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه افراد ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. همچنین و سایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد. (یزدانی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). علاوه بر قانون اساسی در ماده یک قانون تاسیس آموزش و پرورش، رساندن کودکان از لحاظ شکوفایی استعداد و توانایی ها به حدی که به عنوان یک فرد موثر بتوانند در جامعه ایفای نقش کنند، عین وظیفه تعلیم و تربیت بر عهده آموزش و پرورش



گذاشته شده است. هدف و در واقع مسئولیت آموزش و پرورش، علاوه بر سواد آموزی، رشد فضائل اخلاقی، تزکیه در دانش آموزان، تقویت روحیه تحقیق و ابتکار فعالیت، توجه نداشتن صرف به مدارک تحصیلی تبیین شده است. آموزش و پرورش از جمله نهادهایی است که یک پروسه از مهم ترین سال های زندگی افراد یک جامعه یعنی از سن ۷ تا ۱۸ سالگی را برعهده دارد. ۱۲ سالی که به مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی تقسیم می شود و طبیعی است نوع برخورد و برنامه ریزی برای اجتماعی شدن و انتقال ارزش ها به هر کدام از سنین، تفاوت هایی را می طلبد. بنابراین در چنین دوره ای می طلبد برای سامان دادن به یک جامعه به دور از جرم معلمان و مشاوران مدرسه نقش خود را به درستی ایفا نمایند و با تقویت باورهای مذهبی می توانند به رشد و شکوفایی کودکان و نوجوانان کمک کرده و آن ها را از قرار گرفتن در مسیر جرم و جنایت بازگردانند. (کاوه، ۱۳۹۱: ۴۲).

بخش چهاردهم: نقش وزارت اقتصاد در پیش گیری از جرم

تغییر اوضاع نامساعد اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و نیز مبارزه با عوامل روانی ارتکاب جرم، هسته اصلی پیشگیری اجتماعی است. فقر و مشکلات اقتصادی یکی از مهمترین علل ارتکاب جرم در همه جوامع است با توجه به نقش وزارت امور اقتصاد و دارایی در تعیین سیاست های مالی کشور، این بخش از قوه مجریه در امر پیشگیری اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا می نماید. در واقع قوه مجریه می تواند از طریق اعمال سیاست های اقتصادی مناسب و کاهش فقر در جامعه نقش قابل توجهی را در حذف بسترهای اقتصادی جرم ایفا نماید. (ساریخانی و بهلولی، ۱۳۹۵: ۱۵۵). اسلام نیز برای مسائل اقتصادی اهمیت فراوانی قائل است و وجود ابواب زیاد مربوط به مبادلات مالی در فقه و قوانین اسلامی، حکایت از این دارد که اقتصاد در اسلام واجد اهمیت بسزایی است. اسلام مانند مذاهب دیگر رسالتش را تنها در مسائل اخلاقی و تکمیل جهات معنوی انسان ها منحصر نساخته بلکه به جنبه های اقتصادی نیز توجه داشته است. امروزه وزارت امور اقتصاد و دارایی متولی برنامه ریزی در زمینه مسائل خرد و کلان اقتصاد کشور می باشد. به گونه ای که اعمال هریک از سیاست های اقتصادی انبساطی و مبتنی بر بازار



آزاد با انقباضی و مبتنی بر بازار بسته و دولتی تاثیر بسزایی در وضعیت کل کشور ایفا می کند. زیرا یکی از عوامل مهم که نقش مهمی در تقلیل میزان جرائم دارد، بهبود وضع اقتصادی مملکت است. لذا توقع اولیه و اساسی از وزارت اقتصاد عبارت است از اتخاذ سیاست هایی که موجب بهبود وضع مردم و حذف یا کاهش تورم گردد و از افزایش بی رویه و نامتناسب قیمت ها جلوگیری به عمل آورد. (سبحانی، ۱۳۸۹: ۵۲۴). می توان گفت اگر اقتصاد در کشور سالم باشد بیشترین نقش را در پیشگیری از وقوع جرایم می تواند داشته باشد.

نتیجه گیری

۱. نقش دولت: دولت با اجرای سیاست ها و قوانین کیفری، تقویت نظام قضائی، و ایجاد نظام اجتماعی و اقتصادی می تواند در پیشگیری از جرم نقش مهمی ایفا کند. برنامه های کارآمد توسعه اقتصادی، تحقیقات بر روی عوامل تحریکی جرم، و ترویج فرهنگ حقوقی می توانند از جمله اقدامات دولت باشند. ۲. نقش خانواده: خانواده به عنوان محیط اولیه تربیت و انتقال ارزش ها، می تواند با ترسیم مدل های ارزشی، تقویت ارتباطات خانوادگی و ایجاد حمایت اجتماعی، در پیشگیری از جرم نقش موثری ایفا کند. فرآیندهای تربیتی و ترتیب دهی ارتباطات در خانواده می توانند به شکل کلان در تشکیل هویت اخلاقی افراد و تقویت مهارت های اجتماعی آنها مؤثر باشند. ۳. نقش قانون اساسی: قانون اساسی با تضمین حقوق و وظایف شهروندان، تعیین کلیات، و تأمین اصل حاکمیت قانون، اساسی ترین پایه ها را برای حاکمیت مطلوب و پیشگیری از جرم فراهم می کند. ترویج ارزش ها و اصول اجتماعی در قانون اساسی می تواند به عنوان یک راهنمای اخلاقی برای افراد و اجتماع عمل کند. در نهایت، هماهنگی این سه نهاد و تأثیر گذاری متقابل آنها می تواند به سازماندهی جامعه، کاهش جرم، و توسعه پایدار کمک کند. این نقش ها در ترکیب، سیاست ها، و اقدامات یکدیگر را تقویت کرده و به ساختاری پایدار و امن تر برای جامعه منجر شوند. در پیشگیری از جرم، هماهنگی و همکاری موثر بین دولت، خانواده، و قانون اساسی اساسی ترین عناصر موفقیت است. دولت با اجرای سیاست ها و قوانین کیفری، خود را به عنوان یک نهاد مرجع و حاکم در جامعه نشان



می دهد. برنامه ها و طرح های اجتماعی و اقتصادی دولت می توانند به کاهش عوامل تحریکی جرم، مثل فقر و بیکاری، کمک کنند. خانواده با ارائه مدل های ارزشی مثبت و تقویت ارتباطات درون خانوادگی، افراد را به تشکیل هویت اخلاقی و تقویت مهارت های اجتماعی تربیت می دهد. تأثیر گذاری مستقیم خانواده بر فرد از اهمیت فراوانی برخوردار است و می تواند از انزوا و ایزوله بودن افراد جلوگیری کند. قانون اساسی به عنوان نقشی بنیادی در تعیین حقوق و وظایف شهروندان، امی تواند به عنوان یک راهنمای اخلاقی برای افراد عمل کرده و ترویج ارزش های اجتماعی و اصول حقوقی را به جامعه انتقال دهند. در نهایت، توازن و هماهنگی این سه نهاد می تواند به ساختاری پایدار و امن برای جامعه منجر شود. هماهنگی این نقش ها و تأثیر گذاری متقابل آنها می تواند در ارتقاء مهارت های اجتماعی، ترویج ارزش های مثبت، و ایجاد فرهنگ حقوقی، به پیشگیری از جرم کمک کرده و جامعه را به سوی توسعه و پیشرفت هدایت کند. نتیجه پایانی که می خواهیم به آن دست یابیم، یک جامعه استوار و پویا است که در آن دولت به کمک قوانین و برنامه های اجتماعی، خانواده با ترویج ارزش ها و مدل های ارزشی مثبت، و قانون اساسی با تضمین حقوق و وظایف شهروندان و ترویج اصول حقوقی، در هماهنگی برای پیشگیری از جرم نقش بسیار مهمی ایفا می کنند. با توازن میان این سه نهاد، می توان به جامعه ای رسید که از تعادل بین حقوق و وظایف، ارتقاء ارزش های اجتماعی، و ترویج مسئولیت اجتماعی برخوردار است. در چنین جامعه ای، فرد احساس ارتباط و تعلق به جامعه می کند و این احساسات می تواند به کاهش نرخ جرم و ایجاد فضای امن و پویا در جامعه منجر شود. به عبارت دیگر، هماهنگی بین دولت، خانواده، و قانون اساسی، کلیدی در ساختار سازی جامعه های سالم و مقاوم به چالش های اجتماعی است. به عنوان مثال حقوق شهروندی و آموزش در قانون اساسی یک کشور، ممکن است که حقوق شهروندی شامل حق آموزش برای همه شهروندان باشد. این اصل می تواند بیان گر تعهد دولت به فراهم آوردن فرصت های آموزشی برای همه افراد باشد. از طرف دیگر، خانواده نقش مهمی در اجرای این حق دارد؛ زیرا ارتباطات خانوادگی و تشویق به یادگیری در خانواده، اساس تربیت شهروندان مسئول و متعهد است. این ارتباط میان دولت و خانواده به تحقق حقوق شهروندی در



زمینه آموزش کمک می کند و به عنوان یک نمونه از تعامل مثبت میان دولت و خانواده در
پیشگیری از جرم محسوب می شود



منابع و مآخذ

۱. ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۵) مباحثی در علوم جنایی، تقریرات دکتر نجفی ابرند آبادی، به کوشش شهرام ابراهیمی
۲. احدی مقدم، مصطفی، اسماعیلی، مهدی، حاجی تبار، حسن (۱۳۹۸) مبانی پیش گیری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، سال دوازدهم، شماره ۴۶
۳. احدی، نوید (۱۳۹۶) نقش دولت و قوه قضائیه در پیش گیری از جرم بر مبنای سیاست جنایی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، کرج: پیام نور مرکز کرج
۴. تقی پور، علیرضا (۱۳۹۸) پیشگیری غیر کیفری از جرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال هشتم، شماره ۲۴
۵. حسینی، سید محمد (۱۳۹۴) سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت
۶. راسخ، محمد (۱۳۸۵)، ویژگی های ذاتی و غرضی قانون، مجلس و راهبرد، شماره ۵۱
۷. رحمانی، مهرداد، (۱۳۹۷) رویکردی بر نقش قوه مجریه در پیش گیری اجتماعی از جرم و ارتقا سلامت اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.
۸. روشن، محمد (۱۳۹۱) حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل
۹. ساریخانی، عادل، سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۵)، نقش قوه مجریه در پیش گیری اجتماعی از جرم مجله حقوقی داد گستر، سال هشتم، شماره ۹۴



۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۸۹) مبنای حکومت اسلامی، جلد اول قم: انتشارات توحید
۱۱. شهابی، مهدی (۱۳۹۵) استقلال ذاتی و ماهیتی حقوق در مواجهه با متغیرهای اجتماعی، جانمایه بقاع اجتماع، تهران، سمت چاپ اول
۱۲. فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۴) آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، تهران: انتشارات بدر
۱۳. قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۹) بایسته های حقوق اساسی، چاپ سی و نهم، تهران: نشر میزان
۱۴. کاظمی، عباس (۱۳۹۵) امر روزمره در جامعه پسا انقلابی، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگ جادید
۱۵. کاوه، محمد (۱۳۹۱) آسیب شناسی بیماری های اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
۱۶. محمدی گرگلی، محمد (۱۳۹۳) جستاری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات شهر دانش
۱۷. موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۷) تاملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست های کلی نظام، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، شماره ۱۷
۱۸. مهدوی زاهد، مهدی (۱۳۹۷) جامعه شناسی حقوق عمومی، تهران: انتشارات نگاه بینه
۱۹. نجفی ابرندآبادی، (۱۳۸۷) علی حسین، زندان: درمانگاه بزهکاری و بزهکاران تهران: مجد



۲۰. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، تقریرات درس جرم شناسی نظری دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، قابل دسترسی در تارنمای www.lawtest.ir
۲۱. نیاز پور، امیر حسن (۱۳۸۲) پیش گیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیش گیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵
۲۲. نیاز پور، امیر حسن (۱۳۸۳) حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری ش ۴۸ صص ۱۶۹-۲۲۶
۲۳. نیاز پور، امیر حسن (۱۳۹۳) اساسی سازی حقوق پیش گیری از جرم در ایران، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم .
۲۴. وکیلان، حسن، احمد مرکز مالگیری (۱۳۹۵) مقدمه ای بر فلسفه قانون گذاری: در تکاپوی ارتقای کیفیت قانون، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۱
۲۵. هارت، هربرت (۱۳۸۹) آزادی، اخلاق، قانون، در آمدی بر فلسفه حقوق کیفری و عمومی، ترجمه محمد راسخ، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو .
۲۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۷) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ بیستم، تهران: نشر میزان
۲۷. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۸) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام، چاپ نهم، تهران: نشر میزان
۲۸. یزدانی، علی (۱۳۹۱) نقش نهادهای اجرایی در پیش گیری از وقوع جرم، تعالی حقوق، شماره ۱۶-۱۷،



۲۹. یزدی، محمد؛ (۱۳۸۲) شرح و تبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: انتشارات امام عصر (عج).